

# بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۱

نرگس فخاری<sup>۱</sup>  
مرتضی لطیفیان<sup>۲</sup>  
جلیل اعتماد<sup>۳</sup>

## چکیده

**زمینه:** تمایز یافتگی خود "عامل مهمی در تجهیز فرد برای مقابله با عوامل تنیدگی‌زا و ارتقای سلامت روان است. از این رو، تهیه ابزارهای کارآمد جهت سنجش این سازه، ضروری می‌نماید. **هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود به‌عنوان ابزار مناسبی جهت سنجش تمایز یافتگی خود در جامعه ایرانی بود. **روش:** بعد از ترجمه و انطباق پرسشنامه، تعداد ۳۸۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیده بودند، به پرسشنامه پاسخ دادند. ابزارهای پژوهش شامل فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود و پرسشنامه سلامت عمومی بود. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ساختار این پرسشنامه به‌روشنی به چهار عامل هم‌آمیختگی با دیگران، برش هیجانی، واکنش‌پذیری هیجانی و جایگاه من در تمایز یافتگی خود اشاره دارد. روایی صوری توسط متخصصان تأیید شد و ضرایب همبستگی هر مؤلفه با نمره کل معنادار بود. همچنین همبستگی منفی معنادار نمرات پرسشنامه با نمرات نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی بیانگر روایی ملاکی همزمان پرسشنامه بود. برای پایایی، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مطلوب بود. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که روایی و پایایی پرسشنامه مذکور حائز شرایط مطلوب برای سنجش تمایز یافتگی خود است و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سودمند جهت سنجش تمایز یافتگی خود در جامعه ایرانی استفاده گردد. نقش فرهنگ مورد بحث قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود، روایی، پایایی، فرهنگ.

---

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) fakhari.narges@gmail.com  
۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز Latifian\_m@yahoo.com  
۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز Jetemaad@gmail.com

## مقدمه

در سال‌های اخیر، مطالعه و پژوهش در زمینه "خود" در رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، فلسفه، علوم اعصاب و... رشد قابل توجهی داشته است که این افزایش چشمگیر، نقش بسزایی را در ایجاد علاقه برای بررسی و درک "خود" با در نظر گرفتن جامعه و بافت فرهنگی داشته است (گالاتر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). مطالعات فزاینده در این باره در هر یک از رشته‌ها، ناشی از عوامل گوناگونی است. در علم روان‌شناسی، "خود" نقطه عزیمت درمانگری و ارتقای سلامت روان است (پورحسین، ۱۳۹۰)، از این رو روان‌شناسان، بخش گسترده‌ای از پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی تحولی و... را به مفهوم "خود" و مفاهیم وابسته به آن اختصاص داده‌اند. یکی از نظریه‌پردازان حوزه خانواده‌درمانی به نام موری بوئن در نظریه خویش از افتراق و تمایز "خود" و داشتن یک "خود" مجزا از دیگران و پیامدهای ناشی از آن سخن به میان می‌آورد.

به عقیده بوئن<sup>۳</sup> (۱۹۷۸) روابط انسانی از دو نیروی غریزی متضاد که موجب تعادل در زندگی‌اند، مشتق می‌شود: یکی نیرویی است که شخص را به سمت فردیت، استقلال و مجزا بودن از دیگران سوق می‌دهد و دیگری نیرویی است که موجب می‌شود شخص به دنبال وابستگی، صمیمیت و هم‌نشینی با دیگران باشد. رویارویی این دو نیرو و کشمکش میان آن‌ها، سبب ایجاد اضطراب در فرد می‌شود؛ بنابراین لازم است شخص بتواند احساس و هیجان خویش را از تفکرش جدا کند و با حفظ فردیت و استقلال "خود"، روابط صمیمانه‌ای را با دیگران تجربه کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). بوئن (۱۹۷۸) برای این که بتواند تعامل بین شناخت، عاطفه، استقلال (فردیت) و با جمع بودن را در گستره زندگی فرد توصیف کند، شالوده نظریه خویش را، بر مفهومی به نام "تمایز یافتگی خود"<sup>۵</sup>

- 
1. self
  2. Gallagher
  3. Bowen
  4. Goldenberg & Goldenberg
  5. differentiation of self

پایه ریزی می کند. در سطح بین فردی، "تمایز یافتگی خود" توانایی یک شخص در حفظ فردیت و استقلال "خود" در روابط صمیمانه با دیگران است و در سطح درون فردی، توانایی شخص در ایجاد تعادل بین تفکر و احساس است به گونه ای که بتواند در شرایط هیجانی، به صورت منطقی فکر و عمل کند (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر<sup>۱</sup> و بوئن، ۱۹۸۸). به دیگر سخن، تمایز یافتگی خود یک ترکیب پیچیده از پختگی هیجانی<sup>۲</sup>، توانایی تفکر منطقی در موقعیت های هیجانی و توانایی حفظ روابط نزدیک عاطفی است (دریک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). نشانه های تمایز به صورت احساس امنیت، همدلی و توانایی تفکر منطقی در میان یک وضعیت هیجانی<sup>۴</sup> دیده می شود (چارلز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱).

برای تمایز یافتگی می توان ۴ مؤلفه تعریف کرد که عبارت اند از:

۱- هم آمیختگی با دیگران<sup>۶</sup>: هم آمیختگی با دیگران به معنای از دست دادن هویت در یک رابطه است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۲). افرادی که "خود" در آن ها کمتر تمایز یافته است، در روابط خود با دیگران و به خصوص با افراد مهم زندگی، دچار انحلال و هم آمیختگی می شوند. افراد هم آمیخته به شدت تمایل به هم رنگی و همسانی با دیگران داشته و عزت نفس آنان بستگی به اطرافیان دارد (میزر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

۲- جایگاه من<sup>۸</sup>: نشان دهنده توانایی شخص در ارائه تعریف شفافی از هویت خویش و دارا بودن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. افراد تمایز یافته حتی در شرایط پرتنش نیز، از هویت شخصی قوی یا جایگاه من نیرومندی برخوردارند (این من هستم... این عقاید من است... این کاری است که می خواهم انجام دهم، نه آن...) (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸).

- 
1. Kerr
  2. emotional maturity
  3. Drake
  4. emotional situation
  5. Charles
  6. fusion with others
  7. Maser
  8. I-position

۳- برش هیجانی<sup>۱</sup>: افرادی که سطح پایینی از تمایز دارند، در روابط خود با دیگران احساس تهدید و آسیب‌پذیری بیشتری می‌کنند و گاه در نتیجه آسیب‌پذیری در روابط، تمایل به اتخاذ رفتارهای دفاعی مانند فاصله گرفتن، قطع رابطه و انکار اهمیت رابطه با دیگران دارند (اسکورون و دندی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ اسکورون و فریدلندر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ پلگ و رهال<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، برش هیجانی تمایل به خروج از رابطه و عقب‌نشینی عاطفی را در شرایط پرتنش نشان می‌دهد. در شرایط پرتنش عاطفی، فرد تمایز نیافته نیاز به فرار، اجتناب یا نادیده گرفتن موقعیت دارد در حالی که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه‌های هیجانی را به رسمیت شناخته و قادر خواهد بود با هیجانات قوی‌تر روبه‌رو شود و با آنها کنار بیاید (دریک، ۲۰۱۱).

۴- واکنش‌پذیری هیجانی<sup>۵</sup>: نشانگر غلبه احساسات فرد، بر عقل و منطقش است. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ هیجانی واکنش‌پذیرند، قادر به جداسازی احساس از تفکر نیستند و بیشتر پاسخ‌هایی که به محیط می‌دهند؛ پاسخ‌هایی هیجانی است تا عقلانی. خصوصاً در شرایط پرتنش، نمی‌توانند به وضوح فکر کنند و در مواجهه با مسائل گوناگون، بدون تفکر و تأمل به صورت غیرارادی و هیجانی واکنش می‌دهند (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸). هر چه سطح واکنش‌پذیری هیجانی بالاتر باشد، شخص بیشتر تحت تأثیر هیجانات قرار می‌گیرد به گونه‌ای که واکنش‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش بر پایه هیجانات است (کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ هوپر و دی‌پوی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰).

تمایز خود در تعامل با انواع مختلفی از سازه‌هاست. بوئن (۱۹۷۸) بر این باور است که ماهیت ذاتی فرآیندهای تفکیک، استقلال و رشد عاطفی؛ که او به عنوان مفهوم تمایز خود از آن یاد می‌کند؛ پیامدهایی را برای دیگر وضعیت‌های روان‌شناختی فرد به همراه دارد و

- 
1. emotional cut off
  2. Skowron & Dendy
  3. Friedlander
  4. Peleg & Rahal
  5. emotional reactivity
  6. Hooper & DePuy

درواقع سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود با پیامدهایی همچون سطوح بالاتر عملکرد کلی، روانی و فیزیولوژیکی در ارتباط است. به طور خاص سطوح بالاتر تمایز، با افزایش حرکت به سمت روابط عاطفی پیچیده و کاهش علائم استرس و اضطراب همراه است. افراد با سطوح تمایز بالاتر در برابر عوامل تنش‌زا، استرس کمتری را تجربه می‌کنند، از سلامت روان بیشتری برخوردارند و علائم استرس تجربه شده در آنها، نسبت به افراد با سطوح تفکیک پایین‌تر، سریع‌تر بهبود می‌یابد. همچنین فردی که در خانواده پدری به تمایز یافتگی سالمی نرسیده است، عدم تمایز و اضطراب مزمن خویش را با ازدواج به زندگی جدید منتقل می‌کند و "عدم تمایز یافتگی خود" نسل به نسل منتقل می‌شود (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸).

با توجه به ادعای بوئن مبنی بر اهمیت "تمایز یافتگی خود" در تجهیز فرد برای مقابله با عوامل تنیدگی‌زا و ارتقای سلامت روان، همچنین از آنجا که نظریه بوئن، یکی از جامع‌ترین مفهومی‌سازی‌ها را در زمینه کارکرد خانواده و اعضای آن ارائه می‌دهد، بسیاری از پژوهشگران به ساخت و توسعه ابزارهای اندازه‌گیری مناسبی که به وسیله آن بتوان سازه تمایز یافتگی خود را مورد مطالعه قرارداد، روی آورده‌اند (میزر، ۲۰۱۱). از جمله تلاش‌های صورت گرفته در این راستا، اقدام اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، در ساخت پرسشنامه تمایز یافتگی خود است. استخر ۹۶ گویه‌ای که معرف تمایز یافتگی خود بود توسط تیم تحقیقاتی اسکورون و فریدلندر بر اساس نظریه خانواده‌درمانی بوئن و مثال‌های ارائه شده در پژوهش‌های بوئن (۱۹۷۶، ۱۹۷۸) و پژوهش‌های پیرو آنها (کر، ۱۹۸۵؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ نیکولز، ۱۹۸۴؛ نیکولز و شارتز، ۱۹۸۸؛ پاپرو، ۱۹۹۰؛ به نقل از اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸) ساخته شد. آیتم‌های انتخاب شده توسط تیم تحقیقاتی بازتاب تمایز و تعادل (الف) تفکر و احساس و (ب) ظرفیت صمیمیت با دیگران و ظرفیت استقلال در روابط مهم جاری مثلاً رابطه با والدین و خواهر و برادران بود. اسکورون و فریدلندر از تحلیل مؤلفه‌های

1. Nichols
2. Schwartz
3. Papero

اصلی<sup>۱</sup> برای احراز ابعاد پرسشنامه تمایز یافتگی خود و تعیین گویه‌های نهایی استفاده کردند. در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین بر اساس محتوا، ۴۳ گویه به ۴ خرده‌مقیاس اختصاص یافت. ضرایب همسانی درونی برای زیرمقیاس واکنش‌پذیری هیجانی  $\alpha = 0/88$ ، هم‌آمیختگی با دیگران  $\alpha = 0/70$ ، جایگاه من  $\alpha = 0/85$ ، برش هیجانی  $\alpha = 0/79$  و برای کل مقیاس  $\alpha = 0/88$  گزارش شد (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). اما در مطالعات تجربی بعدی، مشخص گردید که خرده‌مقیاس هم‌آمیختگی با دیگران به‌طور معناداری، همسانی درونی پایین‌تری نسبت به دیگر زیرمقیاس‌ها و کل مقیاس دارد (اسکورون و اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)؛ بنابراین به‌منظور بهبود ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تمایز یافتگی خود<sup>۳</sup>، این ابزار توسط اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳)، مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه تمایز یافتگی خود<sup>۴</sup> که شامل ۴۶ گویه است، آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس هم‌آمیختگی با دیگران افزایش یافت و به ۰/۸۶ رسید (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳). پس از آن، دریک (۲۰۱۱) در رساله دکتری خود به‌منظور کارآمدتر کردن فرم تجدیدنظر شده پرسشنامه تمایز یافتگی خود (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳) از طریق کاهش تعداد گویه‌ها، اقدام به ساخت فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود<sup>۵</sup> کرد. در این پژوهش که بر روی ۳۵۵ نفر دانشجو انجام شد، پایایی بازآزمایی پرسشنامه بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شد. روایی ملاکی همزمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس و عزت‌نفس بررسی شد و مشخص شد که سازه تمایز یافتگی به‌طور مثبت با عزت‌نفس و به‌طور منفی با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس رابطه دارد. در روایی همگرا نیز خرد مقیاس‌های فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود با مقیاس سطح تمایز یافتگی خود<sup>۶</sup> (هابر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳) رابطه مثبت و

1. principal- component analysis
2. Schmitt
3. DSI
4. Differentiation of Self Inventory-Revised ( DSI-R)
5. Differentiation of Self Inventory- Short form
6. Level of Differentiation of Self Scale
7. Haber

معناداری داشت. همچنین رابطه مثبتی بین نمره هر زیرمقیاس با نمره کل مشاهده شد. فرم کوتاه تمایز یافتگی نسبت به پرسشنامه تجدیدنظر شده اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳)، کارآمدتر است و تعداد گویه های کمتری دارد تا آنجا که فرم کوتاه شده توانست ۹۹٪ از همسانی درونی نسخه کامل پرسشنامه تمایز یافتگی خود را تنها با ۴۳٪ از گویه های آن، حفظ کند (دریک، ۲۰۱۱).

ساخت ابزارهای متنوع برای سنجش تمایز یافتگی، پژوهشگران را قادر ساخت تا پژوهش های گسترده ای در تأیید نظریه بون انجام دهند. نتایج تحقیقات نشانگر وجود رابطه منفی معنادار بین تمایز یافتگی با درماندگی روان شناختی (فریدلندر و توسان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰)، اجتناب و بی اعتمادی (بارتلت هرینگ و گرگوری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)، احساس شرم (ویلیامسون، سندیک و لی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵)، اضطراب مزمن و نشانگان بیماری (نات<sup>۴</sup> و اسکورون، ۲۰۰۴) و نشانه های افسردگی (هوپر و دی پوی، ۲۰۱۱) است. از سوی دیگر بین تمایز یافتگی با رضایت از زندگی (اسکورون، هولمز و سبتلی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳)، امیدواری و ارتباط اجتماعی (ویلیامسون، سندیک و لی، ۲۰۰۵) رابطه مثبت و معناداری گزارش شد. در حوزه تحصیلی، تحقیقات بیانگر آن است که تمایز یافتگی خود با اضطراب امتحان رابطه منفی و با عملکرد شناختی رابطه مثبت دارد (پلگ، ۲۰۰۴) و تمایز می تواند با کاهش اثرات ناشی از استرس های تحصیلی سبب افزایش سازگاری دانشجویان شود (اسکورون، وستر و آزن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). در حوزه زندگی زناشویی نیز پژوهش ها نشان می دهد که رابطه مثبتی بین سطوح بالای تمایز یافتگی خود با رضایت زناشویی (اسکورون، ۲۰۰۰؛ آدامز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳) و کنترل موفق و سازگاری زناشویی بالاتر (اسکورون و دندی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴) وجود دارد. هرچند در ادبیات پژوهشی سازه

- 
1. Tuason
  2. Bartle-Haring & Gregory
  3. Williamson, Sandage, & Lee
  4. Knauth
  5. Skowron, Holmes & Sabatelli
  6. Skowron, Wester & Azen
  7. Adams
  8. Dendy

تمایز یافتگی خود، تحقیقات گسترده‌ای وجود دارد، اما این سازه علی‌رغم اهمیت و تأثیرش بر بهزیستی و سلامت روان، زوج‌درمانی، خانواده‌درمانی، حوزه تحصیلی و... در کشور ما تا حدودی مهجور مانده است. از دیگر سو، بوئن نظریه خود را جهان‌شمول معرفی می‌کند و آن را قابل کاربرد "در همه خانواده‌ها و در تمام فرهنگ‌ها" (کرو بوئن، ۱۹۸۸، صفحه ۲۰۲) می‌داند، در حالی که برخی از مطالعات اخیر حاکی از تأثیر ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای جوامع فردگرا و جمع‌گرا بر تمایز یافتگی خود است (پلگک و رهال، ۲۰۱۲؛ کایتسیباسی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ گوشو و کنستانتین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳) از این رو ادعای بوئن مبنی بر جهان‌شمول بودن تمایز یافتگی خود با تردید مواجه می‌شود. بنا بر آنچه گفته شد، با عطف نظر به اهمیت سازه تمایز یافتگی خود و از سوی دیگر با توجه به این که جهان‌شمول بودن نظریه بوئن مورد تردید واقع شده است، نیاز به پژوهش در حوزه تمایز یافتگی خود در جامعه ایرانی، برجسته‌تر می‌شود. لذا، وجود ابزاری کارآمد و مناسب جهت سنجش این سازه در ایران ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود که توسط دریک در سال ۲۰۱۱ ساخته شده است نسبت به دیگر ابزارهای اندازه‌گیری تمایز یافتگی خود، کارآمدتر است و تعداد گویه‌های کمتری هم دارد (دریک، ۲۰۱۱)، پژوهش حاضر باهدف ترجمه و تعیین روایی و پایایی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود (دریک، ۲۰۱۱) برای استفاده در ایران انجام پذیرفت. به عبارت دیگر این پژوهش بر آن بود تا سودمندی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود را در جامعه ایرانی ارزیابی کند تا از طریق آن بتواند، زمینه را برای پژوهش‌های گسترده در حوزه تمایز یافتگی خود در جامعه و فرهنگ ایرانی هموار نماید.

روش

شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز بوده

- 
1. Kagitcibasi
  2. Gushue and Constantine



که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشته‌اند. از میان آنها ۳۸۴ نفر به‌عنوان شرکت‌کننده در این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای<sup>۱</sup> انتخاب شدند. به این ترتیب که از بین فهرست دانشکده‌های دانشگاه شیراز، ۴ دانشکده به‌صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از هر یک از دانشکده‌های منتخب، ۳ کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد. کلیه دانشجویان حاضر در کلاس‌های منتخب، در پژوهش شرکت کردند. لازم به یادآوری است که متخصصان درباره حجم نمونه برای اجرای تحلیل عامل، پیشنهاد داده‌اند که تعداد شرکت‌کنندگان حداقل ۱۰۰ نفر تا ۲۵۰ نفر باشد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵). بر این اساس حجم نمونه در پژوهش حاضر ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که پس از انجام نمونه‌گیری و حذف پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد شرکت‌کنندگان پژوهش به ۳۸۴ نفر رسید.

#### ابزار پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارت بودند از:

#### ۱- پرسشنامه سلامت عمومی<sup>۲</sup> (GHQ)

این پرسشنامه که نخستین بار توسط گلدبرگ<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۲ به‌منظور اندازه‌گیری اختلالات غیر روان‌پریشانه در جمعیت‌های غیربالینی توسعه یافت، به‌صورت فرم‌های ۱۲، ۲۸، ۳۰ و ۶۰ سؤالی موجود است. در پژوهش حاضر از فرم ۲۸ سؤالی آن که توسط گلدبرگ و هیلر<sup>۴</sup> (۱۹۷۹، به نقل از تقوی، ۱۳۸۷) ساخته شده است، استفاده گردید. فرم ۲۸ سؤالی، شامل ۴ مقیاس ۷ سؤالی است که نشانه‌های جسمانی، اضطراب/بی‌خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی را موردسنجش قرار می‌دهد و برای متمایزسازی افراد سالم از افراد غیرسالم مناسب است. پاسخ بر یک مقیاس ۴ درجه‌ای از یک (خفیف‌ترین وضعیت) تا چهار (شدیدترین وضعیت) قرار می‌گیرد. بنابراین نمرات کمتر نشان‌دهنده

- 
1. multi- stage cluster sampling
  2. General Health Questionnaire (GHQ)
  3. Goldberg, D. P.
  4. Hillier, J.

سلامت روانی بیشتر است. روایی و پایایی این پرسشنامه که مبتنی است بر بیش از ۷۰ تحقیق در خارج از ایران، اعتبار متوسط ۰/۸۳ و پایایی متوسط ۰/۸۷ را برای آن گزارش کرده‌اند (گلدبرگ و ویلیامز، ۱۹۹۸، به نقل از تقوی، ۱۳۸۷). در ایران نیز در پژوهش تقوی (۱۳۸۰) پایایی ابزار به روش‌های دوباره‌سنجی، تنصیف و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که ضرایب به ترتیب عبارت بود از ۰/۷۰، ۰/۹۳، ۰/۹۰ و اعتبار همزمان، همگرا و روایی سازه مبتنی بر تحلیل عاملی، نیز رضایت‌بخش بود. در این پژوهش نیز پایایی مؤلفه نشانگان جسمانی ۰/۸۱، اضطراب ۰/۸۳، اختلال در کارکرد اجتماعی ۰/۷۴، افسردگی ۰/۸۷ و پایایی کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمد. همچنین به‌عنوان شاخصی از روایی، همبستگی هر یک از گویه‌ها با عامل مربوطه و همبستگی هر یک از عامل‌ها با نمره کل محاسبه شد که نتایج رضایت‌بخش بود.

## ۲- فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود DSI-SH (دریک، ۲۰۱۱)

این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است که با مقیاس لیکرت در یک طیف شش گزینه‌ای از "اصلاً شبیه خصوصیات من نیست" تا "کاملاً شبیه خصوصیات من است" درجه‌بندی شده و دارای چهار خرده‌مقیاس است: واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، برش هیجانی و هم آمیختگی با دیگران. گویه‌های ۱، ۳، ۱۰، ۱۲، ۱۹ و ۲۰ مربوط به خرده‌مقیاس جایگاه من؛ گویه‌های ۲، ۵، ۸، ۱۳ و ۱۷ مربوط به خرده‌مقیاس هم‌آمیختگی با دیگران؛ گویه‌های ۴، ۷ و ۱۵ مربوط به خرده‌مقیاس برش هیجانی و گویه‌های ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ مربوط به خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی است. به‌منظور نمره‌گذاری این مقیاس لازم است گویه‌های ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ معکوس شود. نمره هر خرده‌مقیاس میانگین گویه‌های آن است. نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده سطح تمایز بالاتر است. به‌منظور استفاده از این پرسشنامه در ایران، ابتدا گویه‌های آن به فارسی ترجمه شد. سپس این نسخه توسط دو مترجم زبان به‌صورت مستقل دوباره به انگلیسی برگردانده شد. با کنارهم قرار دادن و مطابقت نمودن ترجمه‌های فارسی و انگلیسی، تنها در بعضی گویه‌ها به لحاظ تطبیق با فرهنگ ایرانی و فهم بهتر گزاره‌ها به کمک متخصصان

روانشناسی با درجه دکتری، برخی از کلمات تغییر کردند. همزمان روایی صوری پرسشنامه توسط دو تن از اساتید روانشناسی دانشگاه شیراز تأیید گردید. علت استفاده از این نوع شاخص روایی به طور کلی این بود که اساساً روایی صوری ابزار، شاخصی است که روشن می‌سازد شکل ظاهری گویه‌ها با سازه‌ی موردسنجش تناسب دارد و نیز رابطه‌ی مستقیمی با ایجاد انگیزش در پاسخ‌دهنده برای پاسخگویی به گویه‌ها دارد (خیر و سامانی، ۱۳۸۱).

در راستای تعیین روایی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود (دریک، ۲۰۱۱)، از روایی سازه با روش آماری تحلیل عامل اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. علت استفاده از این روش بررسی نظم و ساختار ابزار تمایز یافتگی از لحاظ میزان انطباق با ساختار پیشنهادی سازندگان در فرهنگ غیر ایرانی و در واقع تعیین تعدد و ماهیت عامل‌های مشترک و مکنون و تأثیر آن‌ها بر متغیرهای مورد مشاهده بود (تاکر<sup>۱</sup> و مک‌کالم<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷، به نقل از حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸). پیش از استفاده از تحلیل عامل از دو شاخص KMO و آزمون بارتلت به ترتیب جهت تعیین بعد پذیری ساختار مقیاس و آزمون فرض همانی بودن ماتریس همبستگی گویه‌ها استفاده شد. حداقل بار عاملی برای احراز یک عامل ۰/۳ در نظر گرفته شد. الگوی عاملی پس از چرخش، ملاک ارزیابی قرار گرفت و همچنین برای اختصاص گویه‌ها به عامل‌ها علاوه بر ضرایب همبستگی گویه با عامل، از ساختار پیشنهادی سازنده مقیاس استفاده شد. همبستگی عامل‌ها با نمره کل نیز به عنوان شاخصی از روایی بررسی شد. سازنده ابزار (دریک، ۲۰۱۱) برای بررسی روایی ملاکی همزمان پرسشنامه از رابطه آن با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس و عزت نفس استفاده کرده است. در پژوهش حاضر نیز، هم‌راستا با ملاحظات نظری و مفهومی بوئن (۱۹۷۸) در تکوین سازه تمایز یافتگی به عنوان سازه‌ای با کارکرد مثبت و رابطه آن با سلامت روان و توجه به این که عدم تمایز یافتگی با آسیب‌های روانی - که نمود آن در نشانه‌های خلقی و اضطرابی می‌باشد - همراه است، روایی ملاکی

1. Tucker, L. R.

2. MacCallum, R. C.

همزمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با زیرمقیاس‌ها سلامت عمومی بررسی شد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی. برای تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. انتخاب روش آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی به این دلیل بود که اولاً با یک‌بار اجرای مقیاس، گرفتن این نوع پایایی امکان‌پذیر است و دیگر اینکه برای سنجش میزان سازگاری درونی گویه‌های یک شاخص که عمدتاً دارای طیف لیکرت می‌باشند، این نوع پایایی مناسب است (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸).

#### یافته‌ها

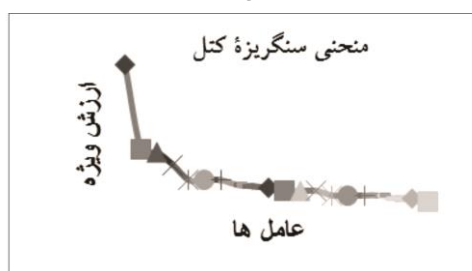
در ابتدا مقیاس تمایز یافتگی خود با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. نتایج جدول ۱ مربوط به آزمون KMO و بارتلت مطلوب بود و مجموع متغیرها می‌توانست ۴۹/۹۷ صدم از کل واریانس سازه را تبیین کند، اما با توجه به این که گویه ۹ دارای بار عاملی نزدیک به هم و متقاطع بود، حذف شد. پس از حذف این گویه، واریانس تراکمی تبیین شده به ۵۰/۰۹ صدم افزایش یافت. در این مرحله نیز گویه ۱۱ به دلیل بار عاملی متقاطع و نزدیک به هم حذف شد و واریانس تراکمی به ۵۰/۳۹ افزایش یافت. در مرحله آخر نیز با حذف گویه ۱۲ که در زیر همهٔ عامل‌ها، بار عاملی نزدیک به هم داشت، واریانس تراکمی تبیین شده به ۵۲/۰۴ افزایش یافت که شاخص‌های نهایی بر اساس مرحله آخر گزارش می‌شود. آزمون KMO اولین هدف تحلیل عاملی را مبنی بر این که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست را مورد آزمون قرار می‌دهد. مقدار این آماره در اینجا برابر با ۰/۷۹ می‌باشد که انجام تحلیل عاملی برای داده‌های موردنظر امکان‌پذیر بوده و می‌توان داده‌ها را به یک سری عامل‌های پنهانی تقلیل داد. آزمون بارتلت نیز که با ضریب ۱۴۶۵ و با درجه آزادی ۱۳۶ در سطح هزارم معنی‌دار شده، نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی گویه‌های مقیاس تمایز یافتگی، یک ماتریس واحد و همبندی نیست و امکان کشف ساختار جدیدی از گویه‌ها ممکن است. در ادامه جدول یافته‌های این دو

آماره آورده می شود:

جدول ۱. آزمون KMO و کرویت بارتلت

P	کرویت بارتلت	KMO
۰/۰۰۱	۱۴۶۵	۰/۷۹

پس از به دست آوردن نتایج بالا مبنی بر روا بودن انجام تحلیل عاملی، برای کشف ساختار عاملی ها از روش تحلیل مؤلفه های اصلی با چرخش متعامد و به روش واریماکس استفاده شد. با توجه به ارزش ویژه ی بالاتر از یک و افت محسوس شیب منحنی اسکری چنان که سازنده این مقیاس پیشنهاد داده بود، ۴ عامل کشف شد که روی هم رفته ۵۲/۰۴ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می کردند (لازم به ذکر است که عامل های استخراج شده به دو شیوه قائم<sup>۱</sup> و مایل<sup>۲</sup> مورد چرخش قرار گرفتند. نتایج دو شیوه چرخش همخوانی بسیار زیادی باهم داشتند و از این رو، تنها نتایج چرخش واریماکس گزارش شده است.) نمودار سنگریزه کتل در شکل ۱ آورده شده است. با توجه به ملاک کایزر و افت شیب نمودار سنگریزه، چهار عامل احراز می شود که ارزش ویژه عامل اول برابر با ۳ برای عامل دوم برابر با ۲/۲۰، برای عامل سوم برابر با ۲/۱۴ و برای عامل چهارم برابر با ۱/۴۹ به دست آمد. همچنین برای تعیین اینکه بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳۰ مشخص شوند و نیز همبستگی هر گویه با عامل ها از ماتریس چرخش یافته عامل ها استفاده شد.



شکل ۱. نمودار منحنی سنگریزه کتل

1. orthogonal
2. oblique

در جدول ۲ ماتریس گویه‌ها و بار عاملی آنها بعد از چرخش آورده شده است.

جدول ۲. بارهای عاملی، ضرایب اشتراک، مقدار ارزش ویژه و درصد واریانس عامل‌های چهارگانه تمایز یافتگی خود

عامل‌ها					
ماده	هم‌آمیختگی با دیگران	جایگاه من	برش	واکنش‌پذیری	میزان اشتراک
۱۹	۰/۷۰				۰/۵۵
۱۷	۰/۶۸				۰/۵۱
۸	۰/۶۶				۰/۴۹
۱۸	۰/۶۶				۰/۴۷
۲	۰/۶۵				۰/۴۳
۱۳	۰/۵۲				۰/۴۰
۵	۰/۴۲				۰/۳۳
۲۰		۰/۷۸			۰/۶۴
۱		۰/۷۳			۰/۵۸
۳		۰/۶۳			۰/۴۶
۱۰		۰/۶۱			۰/۳۹
۷			۰/۸۵		۰/۷۲
۴			۰/۸۴		۰/۷۱
۱۵			۰/۶۷		۰/۵۱
۱۶				۰/۷۵	۰/۶۰
۱۴				۰/۷۰	۰/۵۹
۶				۰/۴۲	۰/۴۲
ارزش	۳/۰۰	۲/۲۰	۲/۱۴	۱/۴۹	
درصد	۱۷/۶۸	۱۲/۹۴	۱۲/۶۲	۸/۷۸	
درصد	۱۷/۶۸	۳۰/۶۳	۴۳/۲۵	۵۲/۰۴	

ضرایب همبستگی عامل‌های مقیاس تمایزیافتگی (جایگاه من، واکنش پذیری هیجانی، هم آمیختگی با دیگران و برش هیجانی) با نمره کل به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۳، ۰/۸۲ و ۰/۵۷ بود که در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند و به‌عنوان شاخصی از روایی سازه تلقی می‌شود. در جدول ۳ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آورده شده است که نشان از همبستگی منفی و معنادار در سطح یک صدم میان متغیر تمایزیافتگی خود و عامل‌های آن با متغیر سلامت عمومی و عامل‌های این متغیر دارد. این ضرایب نشان‌دهنده روایی ملاکی همزمان متغیر تمایزیافتگی خود با توجه به ابعاد سلامت عمومی می‌باشد. به‌طور مثال همبستگی متغیر تمایزیافتگی خود با عامل افسردگی، اضطراب، نقص در کارکرد اجتماعی و نشانگان جسمانی به ترتیب برابر با ۰/۳۷، -۰/۴۴، -۰/۳۰ و -۰/۳۹ و در سطح یک صدم معنادار می‌باشد که نشان از روایی ملاکی این متغیر دارد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی تمایزیافتگی خود و ابعادش با سلامت عمومی و مؤلفه‌های آن

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تمایزیافتگی خود	-								
جایگاه من	۰/۵۸**	-							
واکنش پذیری	۰/۶۳**	۰/۲۰**	-						
هم آمیختگی	۰/۸۵**	۰/۲۸**	۰/۴۵**	-					
برش هیجانی	۰/۴۸**	۰/۰۳	۰/۱۶**	۰/۲۰**	-				
سلامت عمومی	-۰/۴۷**	-۰/۳۵**	-۰/۲۷**	-۰/۳۳**	-۰/۲۶**	-			
افسردگی	-۰/۳۷**	-۰/۲۵**	-۰/۲۴**	-۰/۲۹**	-۰/۱۸**	۰/۸۳**	-		
اضطراب	-۰/۴۴**	-۰/۳۶**	-۰/۲۶**	-۰/۲۹**	-۰/۲۷**	۰/۸۷**	۰/۶۰**	-	
نقص اجتماعی	-۰/۳۰**	-۰/۲۲**	-۰/۱۵**	-۰/۳۳**	-۰/۱۷	۰/۷۰**	۰/۵۲**	۰/۴۹**	-
نشانگان جسمانی	-۰/۳۹**	-۰/۳۰**	-۰/۲۲**	-۰/۲۷**	-۰/۲۲**	۰/۸۲**	۰/۵۵**	۰/۶۹**	۰/۳۹**

\*\*P < ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، ضریب پایایی متغیر تمایزیافتگی خود که از

روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است برابر  $0/76$  می باشد که نشانگر پایایی مطلوب این مقیاس می باشد. تعداد آیت‌های این مقیاس برابر با ۱۷ و تعداد نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر بود. ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های تمایز یافتگی نیز در جدول آورده شده است:

جدول ۴. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ مقیاس تمایز یافتگی خود و مؤلفه‌های آن

تمایز یافتگی خود	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
کل مقیاس	۶۲/۴۰	۱۲/۶۸	۱۷	۰/۷۸
جایگاه من	۱۴/۹۸	۴/۴۹	۴	۰/۶۷
واکنش پذیری هیجانی	۹/۵۸	۲/۸۹	۳	۰/۴۸
هم آمیختگی با دیگران	۲۴/۶۸	۷/۳۴	۷	۰/۷۶
برش هیجانی	۱۳/۱۴	۳/۹۱	۳	۰/۷۳

جدول ۵ نشان دهنده میانگین، انحراف معیار و همبستگی گویه‌های مقیاس تمایز یافتگی خود با نمره کل و ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف گزاره می باشد. چنان که مشاهده می شود ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تمایز یافتگی  $0/78$  است و در صورت حذف هر یک از گویه‌های مقیاس، آلفا افزایش نخواهد یافت، بنابراین مطابق با جدول (۵) حذف هیچ کدام از گویه‌ها ضروری نیست. همبستگی هر یک از گویه‌ها با نمره کل نیز معنادار می باشد.



جدول ۵. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی گزاره های مقیاس تمایز یافتگی خود با نمره کل و ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف گزاره (n = ۳۸۴)

گزاره	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی با نمره کل	آلفای کرونباخ در صورت حذف گزاره
۱	۳/۱۸	۱/۵۹	۰/۴۶**	۰/۷۶
۲	۳/۳۶	۱/۵۲	۰/۴۵**	۰/۷۷
۳	۴/۴۲	۱/۵۵	۰/۳۹**	۰/۷۷
۴	۴/۳۰	۱/۶۸	۰/۴۵**	۰/۷۸
۵	۴/۰۱	۱/۵۷	۰/۵۱**	۰/۷۶
۶	۳/۱۴	۱/۵۹	۰/۵۵**	۰/۷۶
۷	۴/۵۰	۱/۵۹	۰/۴۴**	۰/۷۷
۸	۳/۴۰	۱/۷۰	۰/۵۶**	۰/۷۵
۱۰	۳/۸۶	۱/۶۸	۰/۳۱**	۰/۷۸
۱۳	۳/۰۷	۱/۶۱	۰/۴۸**	۰/۷۶
۱۴	۲/۶۱	۱/۵۲	۰/۴۵**	۰/۷۶
۱۵	۴/۳۴	۱/۵۸	۰/۵۰**	۰/۷۷
۱۶	۲/۱۵	۱/۳۷	۰/۱۹**	۰/۷۸
۱۷	۳/۶۴	۱/۵۷	۰/۵۷**	۰/۷۵
۱۸	۳/۶۲	۱/۶۶	۰/۵۱**	۰/۷۶
۱۹	۳/۶۰	۱/۶۶	۰/۶۲**	۰/۷۵
۲۰	۳/۵۲	۱/۴۸	۰/۴۶**	۰/۷۵

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی شاخص‌های روایی و پایایی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود (دریک، ۲۰۱۱) در فرهنگ ایرانی انجام گرفت. از آنجا که این پرسشنامه نسبت به پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایز یافتگی خود (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳) کارآمدتر است و نیز تعداد گویه‌های کمتری دارد (دریک، ۲۰۱۱) لذا اعتبارسنجی آن می‌توانست زمینه‌ی استفاده از آن را در ایران و به‌طور خاص در میان جمعیت‌های دانشجویی فراهم کند. در تحقیق حاضر، روایی و پایایی پرسشنامه مذکور با چند شیوه بررسی شد. همان‌گونه که در بخش یافته‌ها ذکر شد، ساختار عاملی این پرسشنامه به‌روشنی به چهار عامل در تمایز یافتگی خود اشاره دارد که نتیجه این تحلیل عاملی با نتیجه تحقیق دریک (۲۰۱۱) همخوانی دارد. همچنین در پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایز یافتگی خود که پرسشنامه حاضر، فرم کوتاه شده آن است نیز وجود چهار عامل گزارش شده است (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳). این عوامل بر اساس مبانی نظری تمایز یافتگی خود و محتوای گویه‌ها همچنین با توجه به پیشنهاد سازنده ابزار، هم‌آمیختگی با دیگران، برش هیجانی، واکنش‌پذیری هیجانی و جایگاه من، نام‌گذاری شد. بر این اساس می‌توان گفت سازه‌ی تمایز یافتگی در فرهنگ ایرانی احتمالاً ساختار کمابیش مشابهی با ساختار پیشنهادی در فرهنگ غربی دارد و سنخ‌شناسی و مفهوم‌سازی بوئن در میان جمعیت ایرانی احراز می‌شود و فرضیه بوئن مبنی بر تعمیم‌پذیری و جهان‌شمول بودن مؤلفه‌های پیشنهادی در جمعیت مزبور تأیید می‌شود. اما با توجه به پایین بودن ضرایب همبستگی مؤلفه هم-آمیختگی با دیگران و نیز تغییر بار عاملی برخی از گویه‌ها زیر عوامل مقیاس، می‌توان نقش فرهنگ را در تفسیر گویه‌ها و تأثیر آن بر الگوهای پاسخ‌دهی و به‌این ترتیب تعیین قرار گرفتن گویه‌ها ذیل عامل‌های خاص تا حدودی مشاهده کرد. در واقع برخی از گویه‌ها که در فرم سازنده ابزار زیر عامل خاصی قرار می‌گرفت در این پژوهش زیر عاملی دیگر، بار عاملی بیشتری احراز کرد و همچنین سه گویه به دلیل سرگردانی و بار متقاطع حذف شد. در راستای این یافته با توجه به اقتضائات جوامع جمع‌گرا از جمله مفهوم "خود" وابسته به

دیگری و تعریف خود بر مبنای روابط اجتماعی و تفکر جمع گرا و... غیره (نیزبت و میاموتو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ مارکوس و کیتایاما<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱) می توان از نقش فرهنگ در تعیین تأثیرگذاری سازگاران یا ناسازگاران مؤلفه هم آمیختگی با دیگران سراغ گرفت. در این راستا پژوهش های بین فرهنگی در حوزه تمایز خود نشان می دهند که با وجود اینکه سازه تمایز یافتگی خود، سازه ای جهان شمول است اما کارکرد خرده مقیاس های تمایز خود می تواند از فرهنگ و ارزش های فرهنگی تأثیر پذیرد (ادویا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ چانگ و گیل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶؛ پلگ، هالبی و وابی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶، گلبوا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲).

در ادامه، همبستگی عامل ها با نمره کل نیز نشان از روایی سازه ای ابزار بود. در روایی ملاکی همزمان پرسشنامه از رابطه آن با ابعاد سلامت عمومی شامل نشانه های جسمانی، اضطراب و بی خوابی، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی استفاده شد که نتیجه آن با نتیجه پژوهش سازنده پرسشنامه (دریک، ۲۰۱۱) و پژوهش محققین دیگر (چانگ و گیل، ۲۰۰۶؛ پلگ، ۲۰۰۵) مشابهت داشت. در واقع همبستگی منفی سازه تمایز یافتگی و ابعاد آن با مؤلفه های سلامت عمومی مثل اضطراب، افسردگی و... نشان می دهد که سازه تمایز یافتگی و ابعاد آن دارای کارکرد سازگاران می باشند. بدین ترتیب نتایج حاصل از این تحقیق، روایی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در ایران را تأیید می کند. در خصوص پایایی پرسشنامه مذکور نیز بر اساس آنچه در بخش یافته ها گذشت، همبستگی هر گویه با نمره کل و نیز تأثیر حذف هر گویه سنجیده شد که نشان از ثبات گویه های ابزار دارد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر کدام از مؤلفه ها و نمره کل، حکایت از همسانی درونی مطلوب مقیاس و عامل های آن دارد.

در این پژوهش خصوصیات روان سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در نمونه

- 
1. Nisbett, & Miyamoto
  2. Markus & Kitayama
  3. Adawiah
  4. Chung & Gale
  5. Peleg, Halby & Whaby
  6. Glebova

برگرفته از فرهنگ ایرانی مورد آزمون قرار گرفت. به‌طور کلی می‌توان گفت طبق نتایج به‌دست آمده، مقیاس مذکور حائز شرایط لازم برای سنجش تمایزیافتگی خود است و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد جهت سنجش تمایزیافتگی خود در جامعه ایرانی و به‌خصوص دانشجویان استفاده گردد. لازم به ذکر است که شرکت‌کنندگان این پژوهش، تنها دانشجویان کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که می‌توان آن را به‌عنوان محدودیت تحقیق حاضر در نظر گرفت. بر این اساس، انجام این پژوهش بر نمونه‌هایی که ناهمگنی بیشتری داشته باشند پیشنهاد می‌شود. از آنجا که این تحقیق دلالت‌هایی را برای پژوهش‌های حوزه‌ی سلامت روان و خانواده دارد، پیشنهاد می‌شود نقش ابعاد سازه‌ی تمایزیافتگی در مدل‌های مفهومی تحقیقات حوزه‌ی خانواده در نظر گرفته شود و این مدل‌ها در نمونه‌های متعدّد و غیره‌مان آزمون گردد.

## منابع

- پورحسین، رضا. (۱۳۹۰). روان شناسی خود، روش درمانگری مرور خویشتن. تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- تقوی، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۰). بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه سلامت عمومی. *مجله روانشناسی*، ۲۰، ۳۹۸-۳۸۱.
- تقوی، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۷). هنجاریابی پرسشنامه سلامت عمومی بر روی دانشجویان دانشگاه شیراز. *دانشور رفتار*، ۲۸، ۱۳-۱.
- حبیب پور، کرم؛ و صفری، رضا. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد اس پی اس اس در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی)*. تهران: نشر لویه.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس. و حجازی، الهه (۱۳۸۷). *روش های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- خیر، محمد. و سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). *مقدمه ای بر سنجش و اندازه گیری*. شیراز: ملک سلیمان.
- Adams, A. M. (2003). *Perceived influences of differentiation of self on marital and sexual satisfaction*. PhD Dissertation, University of Louisiana Monroe.
- Adawiah, R. M. Y. (2011). *The application of Bowen's family system theory (BFST) to the Malay population in Malaysia*. PhD Dissertation, University of Technology- Queensland.
- Bartle-Haring, S., & Gregory, P. (2003). Relationship between differentiation of self and the stress and distress associated with predictive cancer genetic counseling and testing: preliminary evidence. *Family Health*, 21(4), 357-381.
- Bowen, M. (1976). Theory in the practice of psychotherapy. In P. J. Guerin, Jr. (Ed.), *Family therapy: Theory and practice* (pp.42-90). New York: Garner Press.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Charles, R. (2001). Is there any empirical support for Bowen's concepts of differentiation of self, triangulation, and fusion. *American Journal of Family Therapy*, 29(4), 279-292.
- Chung, H., & Gale, H. (2006). Comparing Self-differentiation and psychological

- well-being between Korean and European American Students. *Contemporary Family Therapy*, 28(3), 367-381.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity*. PhD Dissertation, University of Missouri-Kansas City.
- Gallagher, S. (2011). *The Oxford Handbook of the Self*. New York: Oxford University press.
- Glebova, T. N. (2002). *Differentiation and mother- daughter relationship*. PhD Dissertation, Faculty of the Graduate School of Psychology Fuller Theological Seminary.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family Therapy: An Overview*. United states: Brooks/cole.
- Gushue, G. V., & Constantine, M. G. (2003). Examining individualism, collectivism, and self-differentiation in African American College Women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25(1), 1-5.
- Hooper, L. M. & DePuy, V. (2010). Community Sample Mediating and Moderating Effects of Differentiation of Self on Depression Symptomatology in a Rural Community Sample. *The Family Journal : Counseling and Therapy for Couples and Families*, 18(4), 358-368.
- Kagitcibasi, C. (2005). Autonomy and relatedness in cultural context: Implications for self and family. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36(4), 403-422.
- Kerr, M. E., & Bowen, M. (1988). *Family evaluation*. New York: Norton.
- Knauth, D. G., & Skowron, E. A. (2004). Psychometric evaluation of the differentiation of self inventory for adolescents. *Nursing Research*, 53(3), 163-171.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: implications for cognition, emotion, and motivation. *psychological Review*, 98, 224-253.
- Maser, M. J. (2011). *A Construc Validity of Differentiation of Self Measures & their Correlates*. PhD Dissertation, Seton Hall University.
- Nisbett, R. E., & Miyamoto, Y. (2005). The influence o culture: holistic versus analytic perception. *Trends in Cognitive Science*, 9, 10, 467-473.
- Peleg, O. (2004). Differentiation and test anxiety in adolescents. *Journal of Adolescence*, 27, 645–662.
- Peleg, O. (2005). The Relation Between Differentiation and Social Anxiety: What Can Be Learned from Students and Their Parents. *The American Journal of Family Therapy*, 33(2), 167-183.

- Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. *International Journal of Intercultural Relations*, 36, 719–727.
- Peleg, O., Halby, E., & Whaby, E. (2006). The relationship of maternal separation anxiety and differentiation of self to children's separation anxiety and adjustment to kindergarden: A study in Druze families. *Journal of Anxiety and Disorders*, 20, 973–995.
- Skowron, E. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-240.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235–246.
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222.
- Skowron, E. A., Holmes, S. E., & Sabatelli, R. M. (2003). Deconstructing differentiation: Self regulation, interdependent relating, and well-being in adulthood. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 25(1), 111-129.
- Skowron, E. A., Wester, S.R., & Azen, R. (2004). ). Differentiation of self mediates college stress and adjustment. *Journal of Counseling and Development*, 82, 69–78.
- Skowron, E., & Dendy, A. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 26(3), 337-357.
- Tuason, M. T., & Friedlander, M. I. (2000). Do parent's differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in a Philippine sample. *Journal of Counseling Psychology*, 47(1), 27–35.
- Williamson, I., Sandage, S. J., & Lee, R. M. (2007). How social connectedness affects guilt and shame: Mediation by hope and differentiation of self. *Personality & Individual Differences*, 43(8), 2159-2170.